

جلد اول



تطبیقات کریمی



(طبع اول)

فيها ما تشتهيهِ الانفس وتلد الاعين

# تطبيقات كريمية

لارطب و لا يابس الا في كتاب مبين

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق الانسان وعلمه البيان والبيان واوضح له الهدى  
والايمان والصلوة على من خص بالقرآن والآثار المحمودة الحسان واله  
حجج الرحمن المطهرين عن الرجس بنص القرآن اما بعد فيقول الفقير الى  
رحمة ربه الحاج اسدالله العراقي الشهير بالكريمي ابن المنقل الى رياض  
القدس الحاج غلامرضا عفي الله عن جرائمهما وحشرهما مع ائمتهما علموا  
يامعشر الطالبين للحق واليقين المتمسكين بعروة اتباع اهل بيت سيد المرسلين  
صلوة الله عليهم اجمعين اني كنت حريصاً على طلب العلوم بانواعها فتبصرت  
الى ثمرات تلك العلوم و غاياتها وتاملت فيما يتفجع منها في المعاد وتبصرت  
فيما يوصل منها الى الرشاد فايقنت بفضلها و الهامه تعالى ان العلم لا ينفع  
الا اذا اخذ مرعياً صافية نبت عن ينابيع الوحي و الالهام و ان الحكمة  
لا تنجع اذا لم تؤخذ عن نواعيس الدين و معاقل الانام فوجدت العلم كله  
في كتاب الله العزيز الذي لا ياتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه واخبار

اهل بيت الرسالة الذين جعلهم الله خزاناً لعلمه و تراجمة لوحه فتركت ما  
 ضعيت زماناً من عمرى فيه و اقبات على ما علمت انه سينفنى فى معادى  
 فاخترت الفحص عن اخبار الائمة الابرار سلام الله عليهم اجمعين و اخذت  
 فى البحث عنها و اعطيت النظر فيها و اوفيت التدرب فيها و لعمرى لقد  
 وجدتها سفينة نجاة مشحونة بذخائر السعادات و الفيتها فلکاً مزيماً بالنيرات  
 المنجية عن ظلم الجهالات و رايت سبها لائحة و طرقها واضحة و اعلام  
 الهداية و الفلاح على مسالكها مرفوعة و اصوات الداعين الى الفوز والنجاح  
 فى مناهجها مسموعة و وصلت فى سلوك شوارعها الى رياض نضرة و حدائق  
 خضرة مزينة بازهار كل علم و ثمار كل حكمة و ابصرت فى طى منازلها  
 طرقاً مسلوكة معمورة موصلة الى كل شرف و منزلة فلم اعثر على حكمة  
 الا و فيها صفوها ولم اظفر بحقيقة الا و فيها اصلها فبذلت غاية جهدى فى  
 ترويجها و عزمت بعد الاستعانة من ربى بحوله و قوته و الاستمداد من تاييده و  
 رحمته على تاليفها و تنظيمها على نظام غريب و تاليف عجيب

مقصود از تاليف اين اوراق در تحت چند مانده نوضيح داده ميشود ۱ -  
 تبليغ قوانين اسلاميه از عبادات - احكام - اخلاق - آداب - حفظ الصحة -  
 علم فيزيك - شيمى - سماوى - ارضى - وغير ذلك بذكر نمودن اخبار راعياً ۲ -  
 ترجمه آنها برامى عام بودن انتفاع ۳ - اطلاع به تحقيقات و نكات قوانين اسلاميه  
 است كه بچه اسلوب تحقيق و بيان شده و مسبوق شدن باهميت بعضى از قوانين  
 و سنن ۴ - بيان بعضى از حكم و مصالح آنها و تطبيق نمودن كشفيات امروزه  
 را با آنها بقدر مسور بامراعات اختصار  
 تبصره ۱ - چون در اين تاليف بنا بر اختصار است لهذا در نقل اخبار  
 اسقاط روايات شد

۲ - در تعيين مدرک اختصار شد به يكى از كتب معتبره

## عالم را صانعی است

فی البحار من کلام الصادق ؛ - فکریا مفضل فی اعضاء البدن اجمع  
 و تدبیر کل منها للارب فالیدان للعلاج والرجلان للسعی والعیان للاهتداء  
 والقم للاغتذاء والمعدة للهضم والكبد للتغلیص والمنافذ لتنفیذ الفضول و  
 الاوعية لحملها والفرج لاقامة النسل وكذلك جميع الاعضاء اذا تأملتها و  
 اعمت ففكرک فیها و نظرت وجدت کل شیء منها قد قدر لشیء علی صواب  
 وحکمة قال المفضل ره فقلت یا مولای ان قوماً یزعمون ان هذا من فعل  
 الطبيعة فقال علیه السلام سلهم عن هذه الطبيعة اهی شیء له علم وقدرة  
 علی مثل هذه الافعال ام لیس كذلك فان اوجبوا له العلم و القدرة فما  
 یمنعهم من اثبات الخالق فان هذه صنعة وان زعموا انها تفعل هذه الافعال  
 بغير علم ولا عمد وکان فی افعالها ما قدر اراه من الصواب والحکمة علم ان  
 هذا الفعل للخالق الحکیم و ان الذی سموه طبیعة هو سنة فی خلقه الجارية  
 علی ما اجراها علیه ترجمه جعفران محمد الصادق ؛ میفرماید فکر کنی مفضل  
 در اعضاء بدن و تدبیر کلیه آن اعضاء را برای حاجت پس دودست برای علاج . پاها برای  
 سعی . دو چشم برای دیدن . دهن برای غذا . معدة برای هضم . جگر برای تصفیه  
 و خلاصه نمودن . منافذ برای دفع فضولات بدن . اوعیه برای حمل آن فضولات  
 و منتشر شدن در بدن . فرج برای پاداشتن نسل . و هكذا جمیع اعضاء بدن اگر تأمل و  
 نظر کردی در آنها می یابی هر چیزی از آنها را تقدیر کرده شده از روی صواب و حکمت  
 مفضل ره می گوید عرض کردم اے آقای من قومی گمان دارند که این حرکات و افعال  
 از فعل طبیعه است فرمود سئوال کن آنها را از این طبیعه آیا وجودی است که از برای اوست  
 علم و قدرت مثل این افعال یا نیست همچنین پس اگر جواب دادند که از برای طبیعه است  
 علم و قدرت پس چه مانعی است آنها را از اثبات خالق و این افعالهم صنعة اوست

و اگر گمان دارند که طبیعت فاعل است درحالتیکه نسبت از برای او علم و قدرت در صورتیکه تمام افعال اوست از روی حکمت و صواب معلوم میشود این فعل که در او است علم و قدرت از خالق است حکیم سوای آن طبیعت و آن ثنی را که نام گذاشته اند طبیعت اوست سنت و عادت الهی در خلقت که به جریان انداخته است خداوند متعال آن طبیعت را در عالم

## اسلام اطاعت و دعا کردن سلطان وقت را اهمیت داده

فی البحار - قال رسول الله ص طاعة السلطان واجبة و من ترك طاعة السلطان فقد ترك طاعة الله عزوجل و دخل في نهيه ان الله عزوجل يقول ولا تلقوا بأيديكم الى التهلكة ترجمه رسول اکرم ص فرمود اطاعت سلطان واجب است کسیکه اطاعت نکند سلطان را اطاعت نکرده است خدای عزوجل را و شامل است او را نهی الهی خداوند عزوجل میفرماید نیاندازید خودتانرا بهلاکت فی البحار - عن موسى ابن جعفر عليه السلام قال لشيعة يا معشر الشيعة لا تدلوا رقابكم بترك طاعة سلطانكم فان كان عادلا فاسئلوا الله ابقائه و ان كان جابراً فاسئلوا الله اصلاحه فان صلاحكم في صلاح سلطانكم و ان السلطان العادل بمنزلة الوالد الرحيم فاحبوا له ما تحبون لانفسكم و اكرهوا له ما تكرهون لا نفسكم ترجمه موسی ابن جعفر میفرماید ای گروه شیعه ذلیل نکنید خودتانرا به ترك اطاعت سلطان پس اگر عادل است سؤال کنید از خدا ابقاء او را و اگر جابر است سؤال کنید از خدا اصلاح او را چون صلاح شما در صلاح سلطان است سلطان عادل بمنزله پدری است مهربان پس دوست داشته باشید برای او آنچه را دوست دارید برای خودتان بد بدانید برای او آنچه را بد میدانید برای خودتان

## اهمیت عطر

فی الوسائل - قال رسول الله صلى الله عليه وآله الريح الطيبة تشد القلب و تزيد في الجماع ترجمه رسول اکرم ص میفرماید بوی خوش محکم میکند قلب را و زیاد میکند جماع را فی الوسائل - قال امیر المؤمنین علیه السلام الطيب في الشارب من اخلاق النبي و كرامة للكاتبين ترجمه علی ؑ میفرماید شارب معطر نمودن از اخلاق پیغمبران است و تکریم است برای ملک های نویسنده فی الوسائل عن ابي عبد الله عليه السلام قال كان رسول الله ص ينفق في الطيب اكثر مما ينفق في الطعام ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؑ میفرماید رسول اکرم ص انفاق میکرد در عطر بیش از آنچه انفاق میکرد در طعام فی الوسائل قال ؑ ما انشقت في الطيب فليس بسرف ترجمه معصوم ؑ میفرماید هر چه انفاق بشود در عطر اسراف نیست فی الوسائل - عن ابي الحسن ؑ قال لا ينبغي للرجل ان يدع الطيب في كل يوم ترجمه معصوم ؑ میفرماید سزاوار است برای مرد اینکه خوش بو کند خود را همه روز فی الرسائل عن ابي الحسن الرضا قال الطيب من اخلاق الانبياء ترجمه علی بن موسی ؑ میفرماید بوی خوش از اخلاق پیغمبرانست فی الوسائل قال الراوی سألته عن الرجل يرد الطيب قال لا ينبغي له ان يرد الكرامة ترجمه راوی میگوید سؤال کردم معصوم علیه السلام را از مردیکه رد میکند بوی خوش را فرمود سزاوار نیست از برای او اینکه رد کند تکریم و احترامات را فی الوسائل عن ابي عبد الله عليه السلام قال ان رسول الله ص كان يتطيب بالمشك حتى يری ويصه في مفارقة ترجمه جعفر بن محمد الصادق ؑ میفرماید رسول خدا ص خوش بومینمود خود را بمشك تا دیده میشد بر قهای مشك در فرق سرش - ضعف خون قلب را ضعیف نموده رنگ پریده میشود اختلال در دماغ و در اعمال هاضمه ایجاد شده عمل تنفس ضعیف حرکات قاب کم میشود بدن انسان

مقاومت خود را از دست داده مغلوب محیط خارجی میشود بالنتیجه بی میلی بنذا و بجماع دست میدهد مکروبهای موزیه که همیشه حمله ور باعضاء ضعیفه و اشخاص بی بنیه میباشند کاملاً در بدن اسان رشد مینماید بعلاوه قدرة ادویه طبی در بدن فاسد و بلا اثر میماند پس قسمت مهم سلالت انسان به نصفیه خون و بتقویت قلب منوط و مربوط است استعمال عطریات و استنشام بوی خوش خون را قوی و قلب را تقویت میکند و قوه اعمال کلبه اعضاء بدن را کاملاً ایجاد نموده از این جهت است که فرمود بوی خوش محکم میکند قلب را و زیاد میکند جماعرا بعلاوه استعمال بوش خوش عقل را تقویت فکر را زیاد دل را مسرور و میسازد هوا را معطر و بوهای بد را برطرف میکند

#### اسلام به شانه و تظیف هوا همت داده

فی الوسائل - قال رسول الله ص من اتخذ شعراً فلیحسن و لایته او لیجزه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه مو گذاشت نیکو نگه دارے کند از او بیاینگه قطع کند او را فی الوسائل - قال النبی ص کثرة تسریح الرأس ینهب بالوباء ویجلب الرزق ویزید فی الجماع ترجمه نبی اکرم ص فرمود سر را بسیار شانه نمودن میبرد و بارها و جلب میکند رزق را و زیاد میکند جماعرا فی الوسائل قال رسول الله ص الشعر الحسن من کسوة الله فا کرهوه ترجمه رسول اکرم ص میفرماید موی خوب از بوشش های خداست پس اکرام کنید او را فی الوسائل قال کثرة المشط یقلل البلغم ترجمه معصوم میفرماید زیاد شانه نمودن کم میکند بلغم را فی الوسائل قال الصادق مشط الرأس ینهب بالوباء و مشط اللحیه یشد الاضراس ترجمه حضرت صادق میفرماید شانه نمودن سر میبرد و بارها شانه نمودن ریش محکم میکند دندانها را فی الوسائل - قال الصادق مشط ینهب بالوباء و هی الحمی ترجمه صادق آل محمد میفرماید شانه کردن میبرد و بارها و اوست تب فی الوسائل قال موسی بن جعفر تمشطوا بالعاج فانه ینهب بالوباء - ترجمه

موسی ابن جعفر؛ میفرماید شاه کنید باستخوان فیل میبرد و با را فی الوسائل  
 قال ابو عبد الله؛ تسريح العارضين يشد الاضراس و تسريح اللحية يذهب بالوباء  
 و تسريح الذوابتين يذهب بيابل الصدر و تسريح الحاجبين امان من الجذام و  
 تسريح الراس يقطع البلغم ترجمه حضرت صادق؛ میفرماید شاه کردن عارض  
 محکم میکند دندانرا شاه کردن ریش میبرد و با را شاه کردن شقه موی جلوی  
 سر میبرد حزینهای سینه را شاه کردن ابرو امان است از جذام شاه کردن سر  
 قطع میکند باغمرا - موغلب سطح بدنرا احاطه نموده در بعضی نقاط غیر مرئی  
 و در اغلب مرئی میباشد تمام آنها مجوف کمک به تنفس مینماید بواسطه خلل و  
 فرج آنها مقدار کمی از بخارات سمیه و مواد مضره را از بدن دفع نموده باعث  
 تصفیه خون میگردد نتیجه آن جماعرا زیاد و باغمرا کم میکند مشروط باینکه  
 موها نظیف و پاکیزه بوده کثافت نوك آنها را مسدود نکرده باشد مخصوصاً  
 محاسن و موی سر بملاحظه مجاورت هوا زودتر کثیف و بیشتر مورد حملات  
 مواد کثیفه هوا میشود لذا شاه و شست و شو کردن آنها لازم و قسمت  
 مهمی از امراض جلدی مثل کچلی که در سر اطفال تولید میشود راجع به  
 مواد کثیفه است که در سطح بشرة مجتمع و واسطه شاه و شست و شو نکردن  
 نتیجه کچلی را میدهد و مقصود از نیکی در این تولیت و اکرام مو که در خبر  
 فرمود شاه و شست و شو نمودن موها است و جاوگیری است از کثافت و امروز  
 هم قسمت مهمی از حفظ الصحه را به تنظیف مو میداند

## نتیجه تشکر و کفران

فی البحار - من کلام الصادق؛ اشکر من انعم عليك وانعم علی من شکرک  
 فانه لا ازالة للنعم اذا شکرک ولا اقامة لها اذا کفرک والشکر زیادة فی النعم  
 و امان من الفقر ترجمه صادق آل محمد؛ میفرماید تشکر کن کسیرا که انعام



میکند تو را و انعام کس کسی را که شکر میکند تو را نیست ذوال نعمت اگر  
تشکر کردی نیست بقائی براسی نعمت اگر کفران کردی تشکر زیاد میکند  
نعمت را و ایمنی است از فقر

## علامت منافق و امین

فی البعار - من کلام الصادق ، ثلث من کن فیہ فهو منافق و ان صام  
وصلی من اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف و اذا ائتمن خان احذر من  
الناس ثلثة الخائن و الظلوم و النمام لانه من خان لك خانك و من ظلم  
لك سیظلمك و من نم اليك سینم عليك لایكون الامین امیناً حتی یؤتمن علی  
ثلثة فیؤدیها علی الاموال و الاولاد و الفروج و ان حفظ استین و ضیع واحدة  
فلیس بامین ترجمه صادق آل محمد ؛ میفرماید سه صفت در هر کس باشد  
منافق است او اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند آدم دروغگو و مخالفت  
کننده بوعده خیانت کار در امانت دوری کن از سه ظایفه خائن و ظلوم و  
نمام بعات اینکه کسیکه خیانت میکند براسی نفع تو خیانت میکند تو را کسی  
که ظلم میکند به نفع تو ظلم خواهد کرد تو را کسیکه نمامی کند برای  
تو نمامی خواهد کرد از تو نمیباشد انسان امین تا امانت گذاشته شود نزد او به  
چیز ورد کند آنها را برمال و اولاد و فروج و اگر محافظت کرد دوتای آنها را  
و خیانت کرد به یکی پس نیست او امین

اخبار از ترکیب هوا و اسید کربونیک

فی الوسائل - عن علی ، قال لایتقل المؤمن فی القبلة فان فعل  
ناسیاً یتغفر الله لایفخ الرجل فی موضوع سجوده و لایفخ فی طعامه  
و لافی شرابه و لا فی تعویذه ترجمه علی علیه السلام میفرماید آدم با ایمان  
نندازد آب دهن را بسمت قبله پس اگر کرد اینکار را نسیماً استغفار کند

خدا را ندمد کسی در مکانی که سجده میکند ندمد در چیزهای خوراکی و آشامیدنی و نه در تمویزش فی الوسائل - عن الصادق ع: ابائه عن النبی ص فی حدیث المناهی قال ونهی ان ینفخ فی طعام او شراب و ان ینفخ فی موضع السجود - ترجمه حضرت صادق ع؛ روایت میکند از پدرانش که پیغمبر ص نهی فرمود از اینکه دمیده شود به ماکولات و مشروبات و نهی فرمود از دمیدن در موضع سجده فی الوسائل - قال ابو عبد الله؛ یکره النفخ فی الرقی و الطعام و موضع السجود - ترجمه صادق آل محمد ع؛ میفرماید مذموم است دمیدن در رقیه ها و طعام و موضع سجده - کشفیات امروزه مرکب بودن هوایی را که انسان تنفس میکند بما ثابت نموده کیفیت دخول و خروج هوا و احتراق آن در باطن انسان و خروج بخار و گاز سمی در حال زفیر همه منفصلاً مشروح است بنحو اجمال انسان در حال تنفس داراے شهیق و زفیر است که هوا را داخل و خارج میکند در حال شهیق که هوا داخل در جوف و ریه شد از تمام معبر های خود سیر نموده هوای مرکب از اکسیژن و ازت محترق و از او بخار و گاز سمی که مسموم است باسید کربونیک تولید شده که در حال زفیر او را خارج مینماید بعبارة اخرے تنفس عبارتست از اخذ اکسیژن هوا و دفع اسید کربونیک بقا بر این قاعده نفخه و نفس آدمی بملاحظه سمیتی که در او است مصادف با بعضی چیزها که بشود او را مسموم نموده و از طبیعت اولیه اش خارج مینماید این است که شارع مقدس نفخه بطعام و شراب را جداً منع فرموده در این صورت دمیدن آب و طعام و قند و نبات خارج است از حفظ الصحه و خوردن آنها باعث مسموم شدن خون و تولید امراض معدة و جوفی میشود این بیان بانبودنالات علمی و صنعتی در آن زمان حکمت و نبوت آن وجود محترم را نمایش می دهد فضائل و مقامات ائمه معصومین را ثابت مینماید و از علماء اهل صنعت و

کاشفین حقائق تشکر مینمائیم اما مسئله نهی از نفخه در موضع سجود آنچه بنظر میرسد نظریات شارع مقدس از چند لحاظ بوده یکی بملاحظه عدم صعود غبار زمین که تنفس همچو هوایی را برای بشر مضر میدانسته انشاءالله در باب خودش بیان خواهیم نمود ~~که~~ بشر را چقدر به تنفس هوا صاف و خالی از کثافت امر فرموده چون در زمان شارع مقدس و هکذا زمان ائمه اطهار مهر نماز معمول نبوده زمین را سجده گاه خود قرار میدادند یا مقداری ریگهای ریز در سجده میگذاشتند و نماز میخواندند اینست ~~که~~ نفخه در موضع سجده را جداً نهی فرمود مخصوصاً در مجامع عمومی این عمل هوا را کشیف نموده تنفس او مضر بجامعه خواهد بود دیگر آنکه این بخار و گاز سمی ~~که~~ موسوم است باسید کربونیک بملاحظه نفخه در هر موضعی بفوریت تولید موادی میکند که همه کس دیده و میداند مثل رطوبت و عرق دور نیست این مواد سمی که در موضع سجده تولید میشود بملاحظه خلل و فرج موها و اتصال پیشانی بآن موضع نفوذ در پیشانی نموده ایجاد بعضی ضررها در دماغ و سر بنماید مسئله نهی از نفخه در رقی و تعویذ مراد از ایندو کلمه ورقه ایست از دعا که بمریض و مجنون می بندند جهت حفظ و حراست و شفاء آنها که آنورقه دعا را تعویذ یا عوده یا رقیه مینامند و بواسطه نفخه بآنها ممکن است بخار سمی که درجوف مجتمع و حبس میشود تکوین میکروبهای نموده که جهت مجنون و مریض مضر و منشاء بعضی مرضها بشود لهذا دمیدن بآن ورقه را نهی فرمودند و چون در لغت برای تعویذ معنی دیگری هم ضبط نمودند که آن پناه دادن کسی است دیگر برا بخدا به سبب ورد یا دعا مثلاً اگر بگوئی عوذ زید عمرو یعنی زید برای حفظ عمرو ورد یا دعائی خواند و از خدا طلب حفظ او نمود لهذا محتمل است مراد از خیر اخیر نهی از دمیدن در حال ورد یا دعا بوده چون

موقع ورود و خواندن دعا برای مریض و مجنون و دیدن آنها باعث ایصال بخار و گزاسمی شده و اسباب بطو مرض و مزید علت خواهد گردید لهذا نقیحه را در این موقع نهی فرموده اند پس در استشفاء بسوره مبارکه حمد جهت مرضی در صورت بودن همچو خبری فقط قرائت حمد است و پس از این خبر مهم بودن تنفس هوای صاف و خالی از کثافت برای مریض استفاده میشود.

## ورزش ریه و جریان دم

فی الوسائل - قال ابو جعفر ، اذا اذنت فافصح بالالف و الهاء ترجمه محمد بن علی الباقر ، میفرماید هر وقت اذان میگوئی بافصاحت بگو الف و هاء در اذان را فی الوسائل - عن ابی جعفر ، قال لا یجزئک من الاذان الا ما اسمعت نفسك او فهمته و كلما اشد صوتک من غیر ان تجهد نفسك کان من یسمع اکثر و کان اجرک فی ذلك اعظم ترجمه محمد بن علی الباقر ، میفرماید کمترین مرتبه از اذان که کفایت کند ترا این است که خودت بشنوی و بفهمی او را لیکن هر چه بلند و شدید بشود صوت که صدمه و زحمت بتو وارد نکند بیشتر میشوند شنوندگان و عظیم تر میشود اجرت فی الوسائل - عن ابی عبد الله ، قال اذا اذنت فلا تخفین صوتک فان الله یاجرک مد صوتک فیہ ترجمه جعفر بن محمد الصادق ، میفرماید هر وقت اذان میگوئی مخفی و آهسته مکن صوتت را خداوند مزد میدهد بتو باندازه کشش آوازت فی الوسائل - شکا رجل الی ابی الحسن الرضا سقمه و انه لایولد له ولد فامرہ ان یرفع صوته بالاذان فی منزله قال فعلت فاذهب الله عنی سقمی و کثر ولدی ترجمه عرض کرد شخصی خدمت حضرت رضا از مرض و از نشدن اولاد پس فرمود در منزلت اذان بگو باواز بلند میگوید کردم این کار را برد خدا مرضم را و

بسیار عند اولاد - یکی از اصول مهمه زندگانی بشر که امروزه در دنیا معمول و اورا اساس صحت و سلامت میدانند ورزش و دوران دادن دم است در بدن مخصوصاً علماء حفظ الصحه در این خصوص ترغیباً کتب بسیار تألیف فرمودند در کلیه قوانین اسلامی هم علاوه بر اینکه مقصود تکمیل عقل و رسانیدن بشر است به سعادت ابدیه میتوان گفت یکی از مقاصد مهمه نیز امر طبیعی و مادسه بوده حفظ و سلامت بشر را منظور داشته هیچ نحو مخالف با حفظ الصحه قانونی وضع نشده این است که عمل بآن قوانین آورنده صحت و تربیت کنند مزاج خواهد بود در خبر شریف که دستور میدهد به شفا مریض بماند گفتن اذان آنچه را که بنظر میرسد علاوه بر عنوان عبودیت و ورزشیه و جریان دادن دم است در کارخانه بدن که اورا باین قانون و حفظ الصحه دعوت فرموده نه همان تنها تحریک بدن و عضلات مری بدن است و ورزش جریان دهنده خون است بلکه نطق و آواز قوه و فشاری است در بدن خونی را که شراشر جسد را پر کرده و در مجری و معبر خود در گردش است به نحو طبیعت و مناسب حال هر عضوی به جریان می آورد نطق است که غذا را بهاضمه و اشتها را زیاد میکند دل درد سوء هاضمه و مرضهای مهمه را بر طرف میکند سینه را اصلاح و بدنرا گرم میکند این است که از بدن در حال نطق عرق خارج میشود نطق است که مملکت بدنرا تعدیل و تنظیم میدهد لولانطق اعتدال مزاج رو به اختلال و این کارخانه فاسد و از بین خواهد رفت و گلبولهاییرا که خداوند متعال در جزئی از خون خلق فرموده که کار او محاربه و کشتن مکر و بهایه وارده در خون است ضعیف و بالآخره معدوم شده این است که انسان تلف خواهد شد پس اساس زندگانی بشر به نطق است مخصوصاً ریتین را دو حالت است حالت انقباض و حالت انبساط حالت انبساط آدمرا سالم میدارد ضیق نفس را میرد حالت انبساط است که انسان

سه ساعت تکلم میکند بهترین وسیله برای ازدیاد انبساط ورزش ریه و تکلم است پس اذان بلند مطابق است با حفظ الصبحه دفع مرض میکند کار خانه بدن را به نظام طبیعی بیرون می آورد عضو از کار افتاده را که مربوط است به تکوین ولد اصلاح و به طبیعت اولیه اش عودت میدهد و دستور در خبر به فصح گفتن الف و هاء نیز مطابق است با حفظ الصبحه چون فصاحت آندو حرف سبب حرکت ناف و شکم است که مخرج است برای آن دو حرف باعث سرعت هضم و وارد ساختن غذا است در معده پس بنحو کلی اذان علاوه بر شعائر اسلام و اعلان حضور در مساجد و مجامع عمومی جریان دهنده خون و سیال کننده بدن و مطابق است با حفظ الصبحه

## علت کراهت اکل کلبتین

فی الوسائل - عن موسی ابن جعفر عن ابائه ، قال کان رسول اللہ ص لا یأکل الکلبتین من غیر ان یحرمهما لقربهما من البول ترجمه موسی بن جعفر ، از پدرانش همیشه روایت میکند که رسول خدا ص میل نمی فرمود کلبه را بواسطه قرب آنها ببول لکن حرام نکرد آنها را - علمائیکه اطلاع کامل از تشریح جسد انسان دارند بخوبی درک این نکته را خواهند نمود و اگر مطلع بتاریخ این نطق بشوند که در چه زمانی تحقیق شده که ابدأ قواعد تشریحی در بین نبوده محققاً موجب حیرت و عجب آنها خواهد شد آنچه که محقق شده در خلقت انسان و حیوان دو کلبه یکی بطرف راست دیگری بطرف چپ خداوند متعال خلق فرموده در زیر آن کلبه که او را مثانه گویند قرار داده و دو روده مجوف از جوف کلبه چه از راست و چه از چپ بسمت مثانه کشیده شده مثل دو ظرفیکه دواوله مجوف بآن متصل و منتهی شود بطرف دیگری که جهة عرق گیرے مایعات اختراع

شده عمل کلبیتین بعینه همین عمل است تجزیه نمودن بعضی از مواد کثیفه وارده در منده است که بتوسط آن لوله ها تحویل مئانه میدهد و بول خالص را در او مجتمع مینماید بعبارة اخری خداوند متعال دو کلبیتین را کارخانه بول سازی قرار داده همیشه این کارخانه در گردش و بول را در مئانه وارد می نماید پس اجتناب رسول اکرم ص از کلبیتین که در ذیل خبر علت آن باین صورت بیان شده لقر بهما من البول نظر بهمین قواعده تشریحی است

### اخبار از اسید کربونیک و مکروب

فی الوسائل قال رسول الله ص لا یطولن احدکم شاربہ فان الشیطان یتخذہ مخبئاً یستتر فیہ ترجمه رسول اکرم ص میفرماید طولانی نشود البته شاربهای شما شیطان اتخاذ میکند او را مسکن و مخفی می شود در او فی الوسائل - قال الراوی سئلت ابا الحسن ، عن قص الشارب امن السنة قال نعم ترجمه راوی میگوید سئوال کردم از معصوم ؛ ایازدن شارب قانون است فرمود بله فی الوسائل - انه رأى ابا عبد الله ، احضی شاربہ حتی الصقه بالعیب ترجمه جعفر ابن محمد الصادق ؛ شارب را باندازه زده بود که رسانیده بود او را بریسه و محل روئیدن مو فی البحار - قال الصادق ؛ اخذ الشارب من الجمعة الی الجمعة امان من الجذام ترجمه حضرت صادق ؛ میفرماید گرفتن شارب در هر جمعه امان است از جذام فی البحار - قال الصادق ؛ من لم یؤخذ شاربہ فلیس منا ترجمه حضرت صادق ؛ میفرماید کسی که نکیرد شارب را نیست ازما فی البحار - انه رأى ابا عبد الله ؛ احضی شاربہ حتی التزمه العیب ترجمه شخصی دید حضرت صادق ؛ را که بانتهای رسانیده بود شارب را که لازمه او بود عیب گوئی مردم - انسان همانطوریکه از دهن تنفس میکند و هو را داخل و خارج میکند همین طور از منخرین این عمل جاری هوا را داخل و خارج می نماید در حال

خروج اسید کربونیک که گازی است سمی از منخرین بیرون آمده و به لب بالا که مقابل او است رسیده بملاحظه بلندے مو و شارب بخارات سمیه حال تنفس بانضمام ذرات و کثافات هوا در خلال موها مجتمع شده تولید مکرهائی می نماید قوه جذابه حال شهبق آنها را بجوف رسانیده پس از تبرکز ممکن است تولید مرض و حرق و جنون بنماید علاوه بر این طول شارب اگر بعدی برسد که در دهن داخل شود البته موقع خوردن غذا و آشامیدن آب آن مواد کثیفه مخلوط با آنها شده وارد معده میشوند معلوم است همچو غذائی مضر مسموم کننده خون و صدمه زنده انسان است پس بنا بر این تخفیف شارب و ازاله آن قانونی است راجح و مطابق است با حفظ الصحه و بلندی آن مذموم و مخالف است با حفظ الصحه فی الوسائل - قال الراوی ذکرنا الاخذ من الشارب فقال نشرة وهو من السنة ترجمه راوی میگوید خدمت حضرت، مذاکره گرفتن شارب شد فرمود گرفتن شارب نشرة است و او است از قانون - معنائیکه درافت برای نشرة ضبط نموده اند که مناسبت دارد با این موضوع یکی نشرة بفتح که نسیمی است خوش و پاکیزه دیگرے نشرة بضم که رقیه ایست که توسط آن علاج مجنون و مریض میکنند علی ای حال هر کدام باشد قابل توجه و مطابق است با حفظ الصحه بنا بر معنی اول هم چه معلوم میشود که بخارات خارجه از منخرین علاوه بر تکوین مواد مکرهئی تولید عفونت و راضحه کریمه در موها خواهد نمود و در ازاله مودفع آن عفونت و انسان تنفس نسیم خوش خواهد کرد این است که باین عبارت تعبیر و فرمود زدن شارب نشرة است بنا بر معنی دوم همچو معلوم میشود کما اینکه توسط رقیه و نشرة علاج مجنون و مریض میکنند همین طور ازاله موی شارب دفع جنون و مرض خواهد کرد و نتیجه او را خواهد داد این است که فرمود زدن شارب نشرة است اشاره ایست مایع و نکته ایست مهم



تبصرة بطور کلی چون کثافت و مواد مکرربی در هر کجا که تولید و تکوین گردید بحسب سنخیت منشاء غلبه شیطان و احاطه او میگردد لهذا در این رقم اخبار که در موارد کثیفه ذکر شیطان شده فرقی نیست بین این که گفته شود لفظ شیطان مشعر است بمواد مکرربی یا اینکه گفته شود مراد شیطانی است مفعول

اسلام ضد است با تبلی - ترغیب در تجارت و زراعت

فی الوسائل - قال رسول الله ، ملعون من القى كلة على الناس

ترجمه رسول اکرم ص میفرماید ملعون است کسیکه کل بشود بر غیر و از قبل او روزی خورد  
فی الوسائل - قال أمير المؤمنين ، ان الاشياء اما ازدوجت از دوج الكسل و العجز فتجا بينهما الفقر ترجمه علی عابه السلام میفرماید چون تمام اشیاء جفت گیرے شدند جفت گیری شدند کسالت و عجز زائیده شد از آنها فقر فی الوسائل - عن ابی

جعفر ، قال انى لا بغض الرجل ان يكون كسلاناً عن امر دنياه و من كسل عن امر دنياه فهو عن امر آخرته اكسل ترجمه محمد بن علی الباقر ، میفرماید دشمن دارم کسی را که کسل باشد در امر دنیوی کسیکه کسل است در امر دنیوی پس او کسل ترست در امر آخرتش فی الوسائل - عن ابی عبدالله ، قال عدو

العمل الكسل ترجمه حضرت صادق ، میفرماید کسالت دشمن عمل است فی الوسائل عن ابی الحسن موسی ، قال قال ابی ابي بعض ولده اياك والكسل والضجر فانهما يمنعانك من حظك من الدنيا والاخرة ترجمه موسی بن جعفر ، میفرماید پدرم فرمود به بعض فرزندانم دور کن از خودت کسالت و تبلی را چون مانعند تو را از رسیدن به حظهای دنیوی و اخروی فی الوسائل - عن ابی عبدالله ،

قال لا تكسلوا فی طلب معاشكم فان ابائنا كانوا يركضون فيها و يطلبونها ترجمه صادق آل محمد ، میفرماید کسل نباشید در طلب معاش پدران ما حرکت میکردند با سرعت در تحصیل معاش و طلب میکردند او را فی الوسائل - قال

رجل رأى ابو عبدالله و قد تأخرت عن السوق فقال اغدالى غرك ترجمه  
 راوے میگوید ملاقات کرد مرا جعفر بن محمد الصادق؛ در حالیکه دیر شده  
 بود بازارم فرمود صبح زود قرار بده رفتن بازار را فی الوسائل - قال  
 ابو عبدالله؛ لمولى له يا عبدالله احفظ غرك قال وما غرى جعلت فداك قال  
 غدوك الى سوقك و اكراءك نفسك وقال لآخر مولى له مالي اراك تركت  
 غدوك الى غرك قال جنازة ارست ان احضرها قال؛ فلاندع الرواح الى غرك  
 ترجمه جعفر بن محمد الصادق؛ فرمود به یکی از شرکاء خود اے بنده خدا  
 مواظب باش بر غرت عرض میکند چه چیز است غرم من فدای تو نوشوم فرمود  
 صبح زود رفتن بازار و اکرام نمودن نفس باژ فرمود به یکنفر دیگر از شرکاء  
 چه چیز است که ترک کردی امروز رفتن بازار را در صبح عرض کرد  
 حاضر شدم جنازه را فرمود پس حاضر شو بازار را از ظهر - فی الوسائل -  
 قال امیر المؤمنین؛ للموالى اتجروا بآرك الله لكم فانى سمعت رسول الله ص  
 يقول الرزق عشرة اجزاء تسعة اجزاء فى التجارة و واحد فى غير ها  
 ترجمه علی علیه السلام میفرماید تجارت بکنید خدا بركت بدهد بشما شنیدم رسول  
 خدا ص فرمود روزی ده جزء است نه جزء آن در تجارت است يك جزء آن  
 در غیر تجارت فى الوسائل - عن ابى عبدالله؛ قال التجارة تزيد فى العقل  
 ترجمه صادق آل محمد؛ می فرماید تجارت زیاد می کند عقل را فى الوسائل  
 قال الراوى سمعت ابا عبدالله؛ يقول اعجز احدكم ان يكون مثل النملة  
 فان النملة تجر الى جحرها ترجمه راوی میگوید شنیدم مصوم علیه السلام فرمود  
 آيا عاجز هستید اینکه بائید مثل مور میکشاند مور دانه را بسمت سوراخش  
 فى الوسائل قال ابو عبدالله عليه السلام ارأيت لو ان رجلا دخل بيته واغلق  
 بابه اكان يسقط عليه شئ من السماء ترجمه صادق آل محمد ص میفرماید آيا دیده  
 اگر کسی بماند در منزل و به بند در برابر سد رزق او از آسمان فى الوسائل

عن ابي عبد الله، قال نعم العون الدنيا على الآخرة ترجمه معصوم؛ میفرماید دنیا خوب معاونی است از برای آخرت فی الوسائل - قال؛ لیس منامن ترك دنياه لاخرته ولا اخرته لدنياه ترجمه معصوم؛ میفرماید نیست از ما کسی که ترك دنيا کند بجهت آخرت یا ترك آخره کند بجهت دنيا فی الوسائل -

روی عن العالم؛ انه قال اعمل لدنياك كأنك تعيش ابداً و اعمل لاخرتك كأنك تموت غدا ترجمه موسی بن جعفر؛ میفرماید کار کن برای دنیا مثل اینکه زنده هستی همیشه کار کن برای آخرت مثل اینکه میمیری فردا فی الوسائل -

عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال اوحى الله الى داود؛ انك نعم العبد لولا انك تأكل من بيت المال و لاتعمل بيدك شيئاً قال؛ فبكى داود؛ اربعين صباحاً فاوحى الله الى الحديد ان لن لعبدى داود؛ فالان الله عزوجل له الحديد فكان يعمل فى كل يوم درعاً فبيعها بالف درهم فعمل ثلثمائة و ستين درعاً فباعها بثلثمائة و ستين الفاً و استغنى عن بيت المال ترجمه علی علیه السلام میفرماید وحی کرد خداوند متعال بد اود پیغمبر که خوب بنده هستی لیکن میخورى از بيت المال و نمىکنى بازوى خودت کارى را پس گریه کرد داود؛ چهل روز و نالید بخدا پس نرم کرد آهن را برای او و مباحثت روزى يك ذره و میفروخت بهزار درهم و ساخت سیصد و شصت ذره و فروخت سیصد و شصت هزار درهم و مستغنى شد از خوردن بيت المال فی الوسائل - قال سمعت ابا عبد الله؛ يقول لاخیر فیمن لا یحب جمع المال من حلال یکف به وجهه و یقضى به دینه ویصل به رحمه ترجمه راوى مىگوید شنیدم حضرت صادق؛ فرمود نیست خیرى در کسىکه دوست ندارد جمع مال را از حلال که بواسطه او حفظ آبرو و اداء قرض و وصل کند رحم را فی الوسائل - قال رجل لابی عبد الله؛ و الله اننا نطلب الدنيا و نحب ان نؤتاها فقال؛ تحب ان تصنع بها ما اذا قال اعود بها على نفسى و عیالى و اصل بها و اتصدق بها و احج و اعتمر فقال ابو عبد الله؛ لیس هذا طلب الدنيا هذا طلب الآخرة

ترجمه شخصی به حضرت صادق؛ عرض می کنند والله ما طلب می کنیم دنیا را و دوست داریم که برسیم دنیا فرمود دوست داری که چه کار بکنی دنیا عرض کرد اداره کنم بواسطه او خودم و اهل مرا صاه رخه و انفاق و حج و عمره بجای بیاورم فرمود نیستند اینها طلب دنیا آنها طلب آخرت است

**فی الوسائل - قال سمعت ابا عبد الله؛ يقول انى لا عمل فى بعض ضياعى حتى اعرق و ان لى من يكفينى ليعلم الله عزوجل انى اطلب الرزق الحلال**

ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق فرمود کار می کنیم در بعض املاکم تا اینکه عرق می کنیم با اینکه از برای من است کارگر که معاونت کنند مرا برای اینکه بداند خداى عزوجل که من طلب میکنم رزق حلال را **فى الوسائل - قال دخلنا على ابي عبد الله؛ فى حائط له فقلنا له جعلنا الله فداك دعانا فعمله لك او تعلمه الغلمان قال؛ لادعوني فانى اشتهى ان يرانى الله عز وجل اعلم بى واطلب الحلال فى اذى نفسى** ترجمه راوی میگوید وارد شدیم بر حضرت صادق؛ در حالیکه مشغول بود به تعمیر دیوار عرض کردیم فدای تو شویم بگذار که کار کنیم از برای تو یا کار بکنند غلامان فرمود بگذارید مرا مایلم که به بند خدای عزوجل کار میکنم بدستم و طلب میکنم رزق حلال را با بودن زحمت **فى الوافى - قال سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول ان الله عزوجل اختار للانبياء الحرث والزرع كيلا يكرهوا شيئا من قطر السماء** ترجمه راوی میگوید شنیدم حضرت صادق؛ فرمود خداوند عزوجل اختیار کرد برای انبياء حرث و زراعت را برای اینکه کراهت نداشته باشند باران را **فى الوافى - قال ابو عبد الله؛ ان الله جعل ارزاق الانبياء فى الزرع والضرع كيلا يكرهوا شيئا من قطر السماء** ترجمه حضرت صادق؛ می فرماید خداوند قرار داد ارزاق انبياء را در زرع و در شيرستان برای اینکه کراهت نداشته باشند باران را **فى الوافى - قال ابو عبد الله؛ الكيمياء الاكبر الزراعة**

ترجمہ حضرت صادقؑ می فرماید کیمیائے اکبر زراعت است فی الوافی - قال سمعت ابا عبد اللهؑ يقول الزارعون كنوز الانام يزرعون طيباً اخرجهم الله وهم يوم القيمة احسن الناس مقاماً واقربهم منزلة يدعون المباركين ترجمہ راوی میگوید شنیدم جعفر ابن محمد الصادقؑ فرمود زراعت کنندگان گنجھائے مردمند زراعت می کنند پاکیزہ خارج میکند او را خدا آنها در روز قیامت نیکوترین مردمند ازجہہ مقام و نزدیکترین مردمند ازجہہ منزلت خوانند ہمیشہ مبارکین فی الوافی - قال سألت جعفر بن محمد عن الفلاحين قال هم الزارعون كنوز الله في ارضه و ما في الاعمال شئ احب الى الله من الزراعة وما بعث الله نبياً الا زراعاً الا ادریس علیہ السلام فانه كان خياطاً ترجمہ راوی میگوید سئوال کردم حضرت صادقؑ را از شغل فلاحین فرمود آنها زراعت کنندگان گنجھائے الہی را در زمین خدا نیست در کارها علی محبوب تر نزد خدا از زراعت مبعوث نورد خدا بعمیریرا مگر زارع مگر ادریس علیہ السلام کہ عمل او بود خیاطت فی الوسائل - قال رأيت ابا الحسنؑ يعمل في ارض له قد استنقعت قدماء في العرق فقلت جعلت فداك اين الرجال فقال يا علي قد علي باليد من هي خير مني وعن ابي في ارضه فقلت ومن هو فقال رسول الله ص و امير المؤمنينؑ و ابائى كلهم كانوا قد عملوا بايديهم وهو من عمل النبيين والمرسلين والاصياء والصالحين ترجمہ راوی میگوید دیدم ابو الحسنؑ را در زمینی و کار می کرد در او درحالتیکہ قدمهای او پر بود از عرق گفتم فدائے او شوم کجا هستند کارگرها فرمود کار کردند بازوی خود کسانیکہ بہتر بودند از من و از پدرم عرض کردم چہ کسانی بودند آنها فرمود رسول خدا ص و امیر المؤمنینؑ و پدران من تمام آنها بازوئے خود کار میکردند و او است عمل تمام انبیاء و مرسلین و اوصیاء و مردمان نیک فی الوسائل - قال رأيت ابا عبد اللهؑ و يديه مسحاة و عليه ازار غليظ يعمل في حايط له و العرق يتصاب

عن ظهره فقلت جعلت فداك اعطني اكفيك فقال لي اني احب ان ينادي  
 الرجل بحر الشمس في طلب العيشة ترجمه راوے ميگوييد ديدم صادق آل  
 محمد ؑ را بدست او بود بيل و پوشيده بود شلواری ضخيم در حالیکه ميریخت  
 عرق از پشتش عرض کردم فدای تو شوم بده معاونت کنم تو را فرمود  
 دوست دارم اذیت نکشد مرد از حرارت آفتاب در تحصیل معاش فی الوسائل -  
 عن ابی عبد الله ؑ قال ان امیر المؤمنین ؑ کان یخرج و معه احمال النوی فیقال له  
 یا ابا الحسن ؑ ما هذا سئک فیقول نخل انشاء الله فیغرسه فما یغادر منه واحدة  
 ترجمه صادق آل محمد ؑ میفرماید علی علیه السلام می رفت بدجرا و با او بود  
 بسته های هسته خرما میگفتند باو چه چیز است اینها یا ابا الحسن می فرمود  
 درخت خرما است اگر بخواید خدا پس غرس میکرد هسته ها را و فرو  
 گذار نمیگردد دانه را \* چون خداوند متعال مدار این عالم را با سبب و وسائط  
 قرار داده و اکثر کارها و مهمانرا بسببها مربوط نموده اگر چه قدرت آن  
 بی سبب مهم تواند ساخت لیکن حکمت اقتضا کرده اینستکه یافتن ثواب آخرت  
 و رسیدن به منازل کرامت را متوقف به تحصیل مال نموده به برکت مال است  
 کسه اکثر مطالب بدست آید فرمود خوب معاونی است دنیا برائے آخرت  
 نیست از ما کسیکه ترك دنیا کند بجهت آخرت آدم تنبل و بیکار را از آخرت  
 محروم نموده وعده آتش باو داده تمام انبیاء و مریدان بشر این معنی را اعلام  
 و با بهترین بیان و مثل کوش زد کردند میگویند مثل مور باش بی زحمت بی  
 دست و پا دانه بسوراخ نرود یعنی جدیت کن کاهل نباش قصه داود نبی را  
 دقت کن عرق ریزیهای مریدان بشر را فکر کن بیل زدنهای رسول اکرم و  
 ائمه معصومین را شامل کن اسلام به هیچ نحو بشر را به کاهلی تربیت نکرده  
 کلیه بشر را به تعالی و ترقی دعوت فرموده ترقیات مملکتی را جیداً  
 طالب بوده علی علیه السلام در جواب سائل از هسته ها میفرماید درخت است

چه جوابی است چه اشارتی است میخواید بگوید هر کدام از این دانه ها درختی خواهد شد و ثمره خواهد داد هم اسباب ترقی مملکت شده هم احسان بجامعه نموده ام لذا از يك دانه او صرف نظر نمود و غرس کرد او را پس اسلام ضدیت خود را با ثنبلی و بیکارگی باواز بلند اعلام و عمل را سر مشق جامعه قرار داد

## نتیجه فکر

فی البحار - قال ، تفکر ساعة خیر من عبادة ستین سنة ترجمه معصوم ، می فرماید فکر یکساعت بهتر است از عبادت شصت سال \* بسا کوتاه نظران خبر شریف را از اخبار متشابه فرض نموده و او را لا یحل میدانستند مگر خدا را که فکر بشر این فکر خام را برطرف نمود و حقیقت او را آشکار کرد مگر نه این است که فکر دنیا را پراز صنعت نموده فکر است که معشونه دنیائی شده فکر که به ایست که بشر را بگرد خود طوف میدهد فکر مرکز آفتاب علوم دنیا است مخفیات عالم طبیعت بفکر کشف میشود مدار معارف برویست تمام علوم بدیعه و صنایع مستحده نتیجه فکر است فلاسفه عهد قدیم و عصر جدید علوم را بفکر بدست آورد اند علماء و دانشمندان دنیا بواسطه فکر بکشفیات عجیبه و ایجادات غریبه موفق شدند و بدین وسیله بمدارج عالیه تمدن و مراتب کامله ترقی نائل گردیدند پس فکر قائد و عساکش است فکر آورنده علم است فکر قوت دهنده علم است فکر مکمل توحید است

## ناشتا آب سرد خوردن

فی البحار - و یتعمل فیه شرب الماء البارد علی الریق ترجمه

آشامیده شود آب سرد در ماه دوم تابستان حال ناشنائی \* عبارت جزء خبری است موسوم برسالة الذهبية راجع بدستوراتی است که حضرت رضا ع جهة حفظ الصحة بمأمون می دهد یکی از کشفیات امروزه که تمام دکتر های حاذق متفق الکلله هستند خوردن آب سرد است ناشنائی و جهة حفظ الصحة با اهمیت میدهند

## کاسه چکنم بدست نگیرید

في البحار - قال رسول الله ص اذا اراد احدكم ان يتزوج المرأة فليسئل عن شعرها كما يسئل عن وجهها فان الشعرا حد الجمالين ترجمه رسول اکرم ص فرمود وقتی که اراده دارید تزویج زنی را البته سؤال کرده شود از روی او مثل اینکه سؤال کرده میشود از صورت او موهم یکی از دو جمال است في البحار - قال رسول الله ص اذا اراد احدكم ان يتزوج فلا بأس ان يؤلج بصره فانما هو مشتر ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسی که اراده دارد تزویج را عیب ندارد اینکه کاملاً به بیند او را چون خریدار است او في البحار قال رسول لله ص اذا اراد احدكم ان يتزوج فلا بأس ان ينظر الي ما يدعوه اليه عنها ترجمه رسول اکرم ص میفرماید کسیکه اراده دارد تزویج را عیب ندارد این که نظر کند بآنچه مایل است از بدن زن في الوسائل - عن علي ع في رجل ينظر الى محاسن امرأة يريد ان يتزوجها قال ع لا بأس انما هو مستام فان يقض امر يكن ترجمه سؤال کردند از علی ع کسیکه اراده دارد تزویج را نظر بکند بموضعی نیک که در بدن زن است فرمود عیب ندارد چون او است معامله کننده اگر بگذرد امر ثابت میماند او في الوسائل - قال سالت ابا جعفر ع عن الرجل يريد ان يتزوج المرأة ينظر اليها قال ع نعم انما يشترها باغلي الثمن ترجمه راوی میگوید سؤال کردم



از محمد ابن علی الباقر؛ کسیکه اراده دارد تزویج زنی را به بند او را فرمود  
بلی شراء میکند او را بگران ترین قیمت **فی الوسائل - قال قلت لایعبد الله ؛**  
**الرجل یریدان یتزوج المرأة یتاملها وینظر الی خلقها والی وجهها قال ؛**  
**نعم لا بأس ان ینظر الرجل الی المرأة اذا اراد ان یتزوجها ینظر الی**  
**خلقها والی وجهها ترجمه راوی میگوید گفتم به جعفر ابن محمد الصادق؛**  
کسیکه اراده دارد تزویج زنی را نظر بکند به خلقت بدن و صورت او تامل  
و دقت بکند در او فرمود بلی عیب ندارد اگر اراده دارد تزویج او را  
**فی الوسائل - عن ابي عبد الله ؛ انه سئل عن الرجل ینظر الی المرأة قبل ان**  
**یتزوجها قال ؛ نعم فلم يعطى ماله ترجمه سؤال کرده شد جعفر ابن محمد**  
**الصادق ؛ دیده بشود زن قبل از اینکه تزویج کرده شود فرمود بلی پس بجه**  
**جهة مال خود را میدهد باو فی الوسائل - قال قلت لایعبد الله ؛ الرجل**  
**یرید ان یتزوج المرأة ینظر الی شعرها فقال ؛ نعم انما یرید ان یشتریکها**  
**باغلی الثمن ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از معصوم ؛ کسیکه اراده دارد**  
**تزویج زنی را نظر بکند بعموی او فرمود بلی قصد کرده است شراء کند**  
**او را بگران ترین قیمت فی الوسائل - قال قلت لایعبد الله ؛ الرجل یرید ان**  
**یتزوج المرأة یجوز له ان ینظر الیها قال ؛ نعم و ترقق له الثیاب لانه یرید ان**  
**یشتریکها باغلی الثمن ترجمه راوی میگوید سؤال کردم از صادق آل محمد ؛**  
کسیکه اراده دارد تزویج کند زنی را جائز است از برای او اینکه  
به بند او را فرمود بلی و بپوشد از برای او لباس نازک بجهة اینکه قصد  
کرده است شراء کند او را بگران ترین قیمت **فی الوسائل - قال قلت**  
**لا بی عبد الله ؛ ان صاحبتی هلکت وکانت لی موافقة و قد هممت ان اتزوج**  
**فقال ؛ لی انظر این تضع نفسك و من تشرکة فی مالک و تطلعه علی دینک**  
**وسرک فان کنت لابد فاعلا فیکراً تنسب الی الخیر والی حسن الخلق و اعلم**